

پیام وحدت در راه خلق پیام انسانی و انقلابی

امام از بیمارستان
قلب، در لحظه‌ای
حساس با قلب همه
مردم سخن میگوید

امام خمینی، مردیکه باروشن بینی زرف، با سیاست‌مآب
و با قاطعیت پولادین خود انقلاب ما را رهبری کرد، در یکی از
لحظات دشوار برای سلامت خویش، در فکر مسرد و فکر
انقلاب است.

کسی نیست که پیام تک‌دهنده و عمیقاً انسانی و انقلابی او را
از بیمارستان قلب تهران شنیده باشد و با دیدگی به عظمت روح و
سلامت اندیشه رهبر انقلاب، آفرین ننگته باشد.

رهبر، در پستی بیماری است، رهبری که توده‌های میلیونی به
او رسالت او می‌اندیشند، ولی او با درک عمیق حساسیت لحظه،
در فکر مردم و در اندیشه انقلاب است و لازم می‌بیند که، علیرغم
منع پزشکی و به بهای سلامت خویش، آنچه را که در قلب دارد،
همه بگوید، مردم بگویند، لحظه حساسی است، متصل و متحد
باشید، چه حالا و چه فردا، نزاع و نفاق تکبید، بهم اعانت
کنید، نشان دهید که رشید هستید.

پیام بزرگ امام، رهبر انقلاب ما اینست، برای آنکه
نشان دهیم که ملت رشید هستیم، باید متحد باشیم، باید راز
و رمز پیروزی را در وحدت کلمه و عمل بیابیم.

امام همه نیروها و همه قشرهای ملت را به وحدت فرا
می‌خواند و حتی «عاجزانه تقاضا میکند»، زیرا سرنوش کتور و
انقلاب مطرح است، زیرا لحظه حساسی است و امام خمینی
میخواهد همه کس به این حساسیت سرنوش ساز واقع شود.

امام همه ما را به وحدت فرا میخواند، نه فقط برای دشروز
و نه فقط برای انتخابات، بلکه برای فردا، برای آینده کشور و
مردمان. هیچ نیاپیش‌والاتی از این نخواهد بود که باین پیام وحدت،
وحدت برای پیوندن راه و اجرای برنامه‌ای که امام و خط او مطرح
آست، بنحوشایسته پاسخ دهیم. این وحدتی هدفمند و خلقی و آینه
سازاست. وحدت برای آنکه نشان دهیم مردم ما، پس از آنکه
انقلابی باین عظمت را انجام رسانند و طاقت زمانه را برانند
در آورده دست در چرخه شیطان بزرگ نهاده‌اند، بتوانند که
یک مملکتی را با هم اداره بکنند.

اداره یک مملکت، با وحدت نیروهایی که به
پیروی امام، طرفدار خلق و حامی توده مردم و مخالف با
امپریالیسم و مستکبرین جهانی و داخلی هستند، امکان پذیر است و
این درست همان وظیفه مهم و درازمدتی است که امام در سخنان
پرشور خود از بیمارستان قلب، همه را به انجام آن فرا خواند.

رهبر انقلاب ما، هنگامیکه خود از بیماری رنج می‌برد،
بخوبی می‌داند که ملت نیز در تمام نارو بود وجود خویش از این
بیماری آفرده، نگران و در نگر است. میداند که این قلب همه
مردم ترقیخواه و آگاه ایران است که بدرد آمده. از این رو اولاً
می‌بیند که در نخستین جمله سخنان خود مردم بگویند که حال خود
الحمد لله بد نیست، و باین ترتیب موجبات آرامش خاطر خلق را
فراهم سازد.

امام بدرستی با اهمیت این آرامش در لحظه حساس کنونی
بی‌برده و با توجه به ضرورت بی‌تردید استراحت کامل، سفارش پزشکان
را تا حدود ضرورت انقلابی عملی ساخته است. مردم ایران سپاسگزار
این تصمیم امام به سخنانی هستند، زیرا اولاً محیط آرام و مناسبی
را در لحظه حساس انتخابات فراهم آورده، ثانیاً برای جریان خود
انتخابات رهنمود مستقیم داد و ثالثاً ضرورت وحدت برای تداوم
انقلاب و اداره مملکت بار دیگر با قاطعیت تأکید کرد.

این مشی باید در خدمت توده مردم باشد. همانطور که خود
امام ندر حرف، که در عمل در خدمت مردم است. همچنین سخنان
او در بیمارستان قلب تهران، قبل از هر چیز دغدغه خاطر امام را
نسبت به زندگی و سرنوش یکایک مردم بخصوص «زافه نشینان و
چادر نشینان و قراء» نشان میدهد.

یک تیم پزشکی ماهر و متمم، آنچنانکه خواست همه مردم
است، وسایل لازم را در خدمت سلامت امام قرار میدهد، ولی او در
این فکر است که این خدمات پزشکی و این وسایل متوجه خدمت
همه مردم مستمند و کسانی شود که «درد زمان طاقت بهشون هیچ
عنایتی نشده بوده، پزشکان بحق می‌گویند بهترین شرایط مداوا
معالجه رهبر را فراهم آورند و او می‌گویند، بهداری اول مرتبه
احتیاجی است که مردم بهش دارند و طولی باشد که برای همه باشد
و برای یکی تشریفات و برای یکی هیچی نباشد.

این درس بزرگ مملکت‌داری همه نیروها و شخصیت‌هایی
است که رسالت اداره کشور انقلابی ایران را بهمه می‌گیرند، نه
نزاع، بلکه وحدت. نه بسود یکی، بلکه برای همه. ایران فردا
باید برای همه بسود توده زحمتکش بناو اداره شود. تا مردم ایران
دیگر «بیطور ابتلائات را نداشته باشند». امام مردوش و ودیقی
بین طرز مملکت‌داری زمان شاه مخلوع و نحوه کشورداری ایران
انقلابی ترسیم میکند. این سرزدقیق عبادتست از ضایع خلق،
عبادتست از خدمت به توده مردم.

وجه مشخصه خلقی خط امام بار دیگر در سخنان تاریخی ۴
بهمن ماه به بارزترین وجهی نمایان میشود.

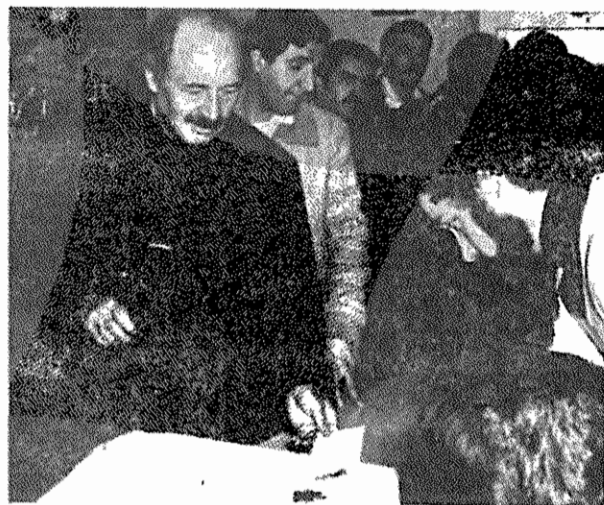
اینکه که در فردا بزرگ‌تری انتخابات ریاست جمهوری هستیم
و انقلاب ما می‌رود تا با تحکیم نهادی دیگر، کامی بچلو بردارد، با
آرزوی صمیمانه تندرستی عاجل رهبر انقلاب ایران، به مفهوم عمیقاً
انسانی، خلقی، انقلابی و راهگشای آن توجه کنیم،
وحدت همه نیروها در خدمت خلق!

اداره کشور به نیروی اتحاد و در جهت منافع توده مردم!
بنظر ما روشن‌ترین راه نشان دادن اعتقاد به خط امام و
تداوم آن در زمینه کشورداری، درک درست مفهوم این پیام است.

برای اعتصاب همگانی
به نشانه اعتراض علیه
زدویندهای حائنانه کارت
وسادات و بگین

از فراخوان
سازمان
آزادبخش
فلسطین
پشتیبانی
میکنیم

صفحه ۶



رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران،
دیروز در حوزة ۱۹۱ انتخابات ریاست جمهوری حضور یافت
و به آقای دکتر حبیبی، کاندیدای ریاست جمهوری رأی داد.



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۱
شنبه ۶ بهمن ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵۱

انتخابات اولین رئیس جمهوری ایران



مردم از انتخابات بطور وسیع استقبال کردند

جنابلاط:
اتحاد شوروی
همیشه به حقوق
ملی و مذهبی دیگر
ملت‌ها احترام
گذاشته و می‌گذارد

جنابلاط، رهبر حزب مترقی
سوسیالیست لبنان، غوغای افتراب
آیز ضد شوروی را که بی‌لغان
غریب در مورد افغانستان برآم
انداخته‌اند، محکوم ساخت. وی در
گفتگو با خبرنگار رادیو مسکو
در بیروت اظهار داشت:
«این حزب یک روش متین در
مورد رویدادهای افغانستان در پیش
گرفته است. در این کشور توطئه
چینی نیروهای امپریالیستی صورت
گرفت و بسبب سبب اتحاد
شوروی به افغانستان کمک نظامی
کرده است.»

جنابلاط گفت: «ما اعراب فریب
تبلیغات را نخواهیم خورد. اتحاد
شوروی و حزب کمونیست آن
همیشه به حقوق ملی و مذهبی
دیگر ملت‌ها و همچنین به حقوق
مردم افغانستان احترام گذاشته
و می‌گذارد.»

دبیر کل جامعه

کشورهای عرب:

ما علیه دشمن

واقعی مبارزه میکنیم
نه علیه دشمن خیالی

شاذلی کلی، دبیر کل جامعه
کشورهای عرب گفته است که
سیاست اسرائیل تنها خطر واقعی
برای اعراب است. کلی در مساجد
با روزنامه آتریشی دی‌پریسه گفت:
«حوادث افغانستان نمی‌تواند توجه
اعراب را از تجاوز اسرائیل منحرف
کند.»
دبیر کل جامعه کشورهای عرب
گفت: «ما علیه دشمن واقعی مبارزه
می‌کنیم، نه علیه دشمن خیالی.»

ما باز هم

هشدار میدهیم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مورخ
۲ بهمن ماه ۱۳۵۸ هشدار مکرر حزب ما را تأکید
کرد که توطئه ضد انقلاب در پایگاه هوایی تبریز نه
فقط به آن دلیل خطرناک است که این توطئه در ارتش
روی داده، بلکه بویژه از این جهت خطرناک است که چنین
توطئه‌هایی در سایر پایگاهها و پادگانها نیز بالقوه
وجود دارد. شواهد متعددی حاکیست که ضد انقلاب
میکوشد این کانون‌های بالقوه توطئه را فعال کند.
هشدار مؤکد و مکرر ما از اینجاست و ما از شوروی
انقلاب و سایر مقامات مسئول می‌طلبیم که با مسئولیت
و با امکاناتی که در اختیار دارند، این توطئه‌ها را با
عمل قاطع انقلابی خنثی کنند.

پیام امام در آستانه انتخابات ریاست جمهوری،
هشدار رهبر انقلاب به لزوم هشیاری انقلابی و
وحدت خلقی است. شورای انقلاب و سایر مقامات
مسئول باید با الهام از امام، پیروی از رهنمود امام،
تمام نیروی خلق را در یک جبهه متحد برای عقیم
گذاشتن توطئه‌های ضد انقلاب، از جمله و بویژه
در ارتش، بحرکت در آورند. این مهمترین و عاجل -
ترین ضرورت لحظه است.

ملت ما هرگز
دشمنی‌های امپریالیسم آمریکا
را فراموش نخواهد کرد
حجت الاسلام خامنه‌ای:

امروز در برابر ما قدرت
بزرگی که سینه برافراشته خود
را هر لحظه بر ما می‌کشد، ایالات
متحده آمریکا است. ما این ساله
را هرگز فراموش نخواهیم کرد.
مرکز دشمنی‌های این ابر قدرت
را از یاد نخواهیم برد. این راملت
به ما شروع کرده‌اند.

در صفحات بعد

لاینچل ماندن مشکل مسکن
زمینه سوءاستفاده ضد انقلابی شده است

صفحه ۳

از گذشته درس بگیریم:

ضد انقلاب هنوز در رسانه‌های
گروهی پایگاه دارد

صفحه ۲

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

لئونید برژنف

زمین کوچک

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نوعی قلب انتخاباتی سوءاستفاده از یک تشابه اسمی و فریب دهقانان

خواهیم داد،
بالجمله نماینده امام! آیت‌الله! معنود می‌گفتید: آخر آقای
مدنی که کاندیدای ریاست جمهوری است، آیت‌الله نیست، دریاوار
است؛ مهم نیست، افسر است؛ نماینده امام در آذربایجان نیست،
با چندین پیش استاندار خوزستان بوده...
بعد کاشف پمپل می‌آمد که برخی از هواداران تیساردینی
از تشابه اسمی کاندیدای خودشان با حضرت آیت‌الله مدنی نماینده
ویژه امام در آذربایجان سوء استفاده کرده؛ بطریقی که شرافتمندانه
نیست، توده دهقانان را فریفته و چون آنها به امام و نماینده امام
مومن هستند، و آیت‌الله مدنی را دوست دارند، به آنها گفته‌اند:
به مدنی رای بدهید، و البته نام «مدنی» روی ورقه رای معنای

تیسار دکتری مدنی خواهد بود
دهقانان فکر میکردند که به آیت‌الله مدنی رای خواهند داد
ولی اگر چنین میکردند، در عمل پسوتیسار مدنی «ای دادم بودند»
این شیوه «کاذب تبلیغاتی» از جانب برخی هواداران
کاندیدای ریاست جمهوری بی‌پروچه پسندیده نیست، و با هیچ
قاعده و قانون اخلاقی و سیاسی و دینی و غیره تطبیق نمیکند.
آیت‌الله مدنی، نماینده امام در آذربایجان گفته بود که به
دکتر حسن حبیبی رای خواهد داد و توصیه کرده بود که طرفداران
خط امام و کسانی که بسطر او احترام می‌گذارند، آقای حبیبی را
برگزینند.
آیا پدهقانان میانوآب و مانند آنها بسیاری دیگر، کسانی
گفتند اشتباه نکنید، دارند از تشابه اسمی و از علاقه شما به
نماینده امام سوء استفاده میکنند. دارند شما را ملغبه قرار میدهند
تا برخلاف نظر و تمایل خودشان رای دهید! اگر بدین شیوه
نابسنیدید و ناچارانمانه تبلیغ و فریب انتخاباتی خامه نداده
باشند، بهمه دهقانان حقیقت اس و نظر آیت‌الله مدنی تقسیم نشده
باشد، لاف در میانوآب سو نظیر آن، شاید بسیار جاهل نوعی
قلب انتخاباتی از طریق بگمراهی کشاندن توده دهقانان صورت
گرفته است.
ما سربخا اعلام می‌کنیم که آرائی را که در آذربایجان بنام
آقای مدنی به‌سندوق ریخته شده است، مشکوک و مخدوش و
بی‌اعتبار میدانیم.

**خوانندگان گرامسی
میتوانند در خارج از کشور
به آدرس‌های زیر با
مردم» مکاتبه کنند**

فرانس، Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

سوئد، BOX 27y30
90251 Stockholm

ایتالیا، Shams
Via G. Vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel 6614922 (TUDH)

انگلستان، P.O. Box141
London. E 70 PE

تب طلا در بازارهای پولی اروپا نشانه بحران همه جانبه سرمایه‌داری جهانی است

طی سه ماه اخیر پهای طلا در بازارهای عمده طلا در
کشورهای سرمایه‌داری، از هر اونس ۳۵۰ دلار به بیش از
۸۰۰ دلار افزایش یافته است. چنین ترقی قیمتی و آهیم
بدین سرعت را سیستم سرمایه‌داری جهانی تاکنون تجربه
نکرده است.
پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم آمریکا برای تحکیم
و بسط نفوذ و سیطره خود در عرصه اقتصاد و غارت هرچه بیشتر
کشورهای خارجی، نظام پولی خاصی را که به سیستم پولی برتن
وودزه شهرت یافت، بنیاد گذارد. بموجب این سیستم، که از طریق
سندوق بین‌المللی پول اعمال گردیده، رابطه ثابتی بین پول
کشورهای جهان براساس طلا برقرار شد و ایالات متحده آمریکا
تمسک گردید که موجودی داری کشورهای خارجی را، در صورت
درخواست آنها، تبدیل به طلا کند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا
امکان یافت که سالیان سال با سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی
به غارت کشورهای تحت سلطه خود بپردازد.
پس از آنکه آمریکا خودسرانه از تمسک برای تبدیل دلار به طلا
مس باز زد، از آنجا که دلار آمریکا علاوه بر نقش پشتوانه، نقش
واسطه پرداخت و مبادلات جهانی را نیز ایفا میکرد، کشورهای
خارجی ترجیح میدادند که آرا در خزائن خود حفظ کنند.
بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا توانست اولاً با اجرای طرح
مارشال، ثانیاً با تاسیس سندوق بین‌المللی پول، ثالثاً از طریق
تحمیل دلار به اقتصاد کشورهای خارج بمتابه پول بین‌المللی، سالیان
سال پیش از آمدن و توان واقعی خود به سرمایه‌گذاری و مخارج
نظامی در خارج از کشور اقدام کند.
اما اوضاع نمیتوانست برای ابد بر وفق مراد آمریکا بچرخد.
فروریختن نظام استعمار کهن، رشد اقتصادی بیسابقه کشورهای
امپریالیستی اروپای غربی، بازسازی اقتصاد مروتان امپریالیستی چین
و از همه مهمتر اعتلای بیسابقه اقتصادی، نظامی و سیاسی اردوگاه
سوسیالیسم، بمتابه آشفتن‌ناپذیرترین دشمن امپریالیسم، آمریکا را
از برج عاج بریز کشید.
دهه ۱۹۵۰ شاهد بروز کسری موازنه پرداختهای آمریکا بود.
متحدان اروپای غربی آمریکا، که در واقع خود را متحدان امپریالیسم
آمریکا در غارت و نه در تحمل عوارض و پیامدهای استعمار و حشیانه
آمریکا میدانند، تدریجاً خزائن بانکهای مرکزی خود را از
طلاهای آمریکا انباشتند. در این میان آلمان فدرال و فرانسه گوی
سبقت را از دیگر متحدان آمریکا ربودند. در دهه ۱۹۶۰، که
اقتصاد آمریکا از رشد بیسابقه‌ای برخوردار شد، خلق قهرمان
ویتنام به شدیدترین مبارزه بر علیه عظیم‌ترین ماشین جنگی، که
بشریت تا آن زمان بخود دیده بود دستزد. تلاش محافل ماجراجوی
امپریالیسم آمریکا چیزی جز شکست مفتضحانه نظامی، ناپسانمانی
اقتصادی، تورم و کسری موازنه پرداختهای برای آمریکا به‌ارمان
نیابود. محافل مالی آمریکا دیگر حتی از طریق گسترش حیطة عمل
بازار «دلار اروپایی» نیز قادر به جذب دلارهای آمریکا در خارج از
آمریکا نبودند. سیل دلارهای آمریکا، که زمانی به اندازه طلا
ارزش داشت، بسوی فدرال رزرو آمریکا (بانک مرکزی ایالات
متحده) جهت تبدیل به طلا سرازیر بود.
از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ ذخایر طلای آمریکا از ۲۳ میلیارد
دلار به ۱۱ میلیارد دلار تقلیل یافت. امپریالیسم آمریکا، که زمانی
مدافع سرسخت ثبات ارزش پولهای کشورهای جهان بیکدیگر بود،
دیگر تمایلی به بازپرداخت بدهیهای خود، که همان دلارهای سر-
گردان در جهان بود، نداشت.
در آغاز دهه ۱۹۷۰ ضرورت حفظ ثبات ارزش پول برای
بزرگترین غارتگر جهان از بین رفت. ایالات متحده، که بعد از
جنگ جهانی دوم از تمام کشورهای جهان طلبکار بود، اکنون به
اکثر کشورهای خارجی بدهکار شده بود. در این زمان ذخایر
طلای آمریکا تکافوی حتی یک‌سوم بدهیهای خارجی را نمیکرد.
برای کاهش بدهیهای خارجی ایالات متحده باید راهی منطبق بر
شیوه ددمنشانه غارتگران و استراتژی ابداع میشد. بهترین چاره،

«خط» وزارت خارجه «خط» ضد امپریالیستی است یا نه؟

جمهوری اسلامی ایران نیاز مبرم و حیاتی به یک سیاست خارجی فعال ضد
امپریالیستی، بویژه ضد امپریالیسم آمریکا دارد.
وزارت خارجه بر ضد امپریالیسم آمریکا مشاهده نمیشود
چرا معلوم نیست.
یک وزارت خارجه فعال نمیتوانست قرارداد-
هایی‌ذا، که رژیم شاه مخلوق با امپریالیسم و بویژه
امپریالیسم آمریکا، ام از نظامی و غیر نظامی منمقد
ساخته و تمداد آنها، بنامه اظهارات مقامات مسئول
نزدیک به هزار قرارداد است و هر کدام از آنها زنجیر
اسارت و رخنه‌ای برای اعمال نفوذ است، ملنی کند.
وزارت خارجه کمترین اقدامی در این زمینه بعمل
نیابوده‌است.
یک وزارت خارجه میبک و کوشا نمیتوانست
با کشورهای مستقل منطقه تماس بگیرد، یک کنفرانس
منطقه‌ای، حتی آسیائی از این نوع کشورها تشکیل دهد
و در آن فالیتهای مداخله‌گرانه و خصمانه دولت آمریکا
را محکوم کند.
یک وزارت خارجه پرتحرک و زنده نمیتوانست
کنفرانس فوق‌العاده‌ای از کشورهای غیرمتعهد دعوت
کند و در آن اقدامات همه‌جانبه خصمانه‌ای را که دولت
آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بعمل آورده و
میاورد، محکوم کند.
وزارت خارجه نمیتوانست به شوای امنیت و
به مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه آمریکای
مداخله‌گر و تجاوزشکایت برد.
وزارت خارجه نمیتوانست در شورای جهانی
صلح و در سازمان همبستگی کشورهای آسیائی و آفریقائی
مسئله خصومت مداخله‌گرانه دولت آمریکا را در امور
داخلی ایران، مطرح سازد و از این سازمانها، که خلعت
مترقی‌و ضد امپریالیستی نیز دارند، برای محکوم کردن
دولت آمریکا استفاده کند.
وزارت خارجه نمیتوانست با دولتهای
جداگانه‌های در منطقه و در آسیا، که در مبارزه با امپریالیسم

استقلال خود را حفظ میکنند، نظیر سوریه، الجزایر،
لیبی، هندوستان، یمن، مکزیک، افغانستان، ویتنام،
لاوس، کامبوجیا و غیره تماس بگیرد، مذاکره کند و از
این کشورها در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا
استفاده کند.
وزارت خارجه نمیتوانست در مجامع و انجمن
های بین‌المللی، که در زمینه‌های مختلف حقوقی،
فرهنگی، بهداشتی، کشاورزی و خواریار و غیره فعالیت
دارند، مسئله سمکری آمریکا را نسبت به ایران
مطرح کند و این سازمانها را وادار به اتخاذ موضع،
صدور قطعنامه و غیره علیه امپریالیسم آمریکا و بسود
جمهوری اسلامی ایران کند.
چرا وزارت خارجه به نظر اینگونه اقدامات
حتی توجه نمیکند و نمی‌کنند؟ معلوم نیست.
چرا وزارت خارجه حتی یک یادداشت اعتراض
آمین به تمرکز نیروی دریائی و ترن مرکز قوا در آبهای
پلاصل ایران به دولت آمریکا تسلیم نکرده‌است؟ معلوم
نیست.
چرا وزارت خارجه حتی مبادرت به اعتراض
رسمی نسبت به همه‌پشهاد محاصره اقتصادی ایران آنسوی
آمریکا و متحدانش در شورای امنیت نکرده است؟ معلوم
نیست.
چرا وزارت خارجه با کشورهایی که در شرکت
در محاصره اقتصادی ایران مردند، تماس برقرار نکرده
تا از طریق مذاکرات و برقراری روابط بازرگانی مقابله
سومندی با آنها، عملاً نشان دهد که محاصره اقتصادی
ایران را نمیتواند بشکند؟ معلوم نیست.
چرا وزارت خارجه با کشورهای مخالف محاصره
اقتصادی ایران تماسهای علنی برقرار نمیکند و علناً
اعلام نمیکند که با ماملات مقابله سومند با این
کشورها، محاصره اقتصادی ایران غیر ممکن است و
سیاست خصمانه آمریکا محکوم به شکست است؟ معلوم نیست.
وزارت خارجه دست‌دوری دست گذاشته، چنانکه
گویی تمام اختلافات آمریکا در ایران منحصر است به
مسئله «گروگانها» و استرداد شامخلوع، چنانکه گویی
اگر این مسئله بنحوی حل‌شود، آنکس میتواند دست
آمریکای جانتاکر، تجاوزکار، فسادگر، اسارتگر را
فردوده رها و باطله را پذیرفت.
درواقع باید از وزیر خارجه جمهوری اسلامی
ایران پرسید که «خط» سیاست خارجی کشور ما
کدامست؟

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهر شود

از نیمه اول سال ۱۹۷۱ تا اواسط سال ۱۹۷۳، دلار آمریکا
دو بار و جسامه میزان ۱۸ درصد تنزل یافت و در مقابل، ارزهای
کشورهای عمده سرمایه‌داری اروپای غربی و ژاپن ترقی‌ارزش یافتند.
کشورهای اروپای غربی، که گمانکن تحت فشار روزافزون ورود
سرمایه‌های اروپائی بودند، یکی بعد از دیگری نرخ ارز خود را
مواج اعلام کردند.
پهای طلا در بازار آزاد، که در سال ۱۹۶۸ معادل هر اونس
۳۵ دلار بود، در اواخر سال ۱۹۷۴ به حدود ۲۰۰ دلار رسید. در-
واقع این بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی بود که موجب شد
پهای طلا حدود ۶ برابر گردد. این نکته را هم باید ذکر کرد که
پهای طلا سالها مصنوعاً پائین نگاهداشته شده بود.
مارکس میگوید: «اسام طلا... آنکاه که تعادل عادی مبادله
اجناس بین ملت‌های مختلف دچار اختلال میگردد، بمتابه خرید بین-
المللی بکار میرود» (کاپیتال، جلد اول، صفحه ۱۵۹)
در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ بحران قیمتی اقتصاد سرمایه‌داری
جهانی را فراگرفت، که از جمله عوارض آن ازدیاد بیکاری،
افزایش نرخ تورم، تشدید عدم تعادل در موازنه پرداختهای بین-
المللی و کمبود انرژی بود. بورس‌بازان و سرمایه‌دارانی که موجودی
پولی یا غیرپولی خود را در معرض خطر تنزل ارزش میدیدند، به
سمت بازارهای طلا هجوم بردند و باعث ترقی قیمت آن شدند. به
دنبال هجوم اوضاع و اعاده رونق نسبی به اقتصاد ناآ بحرانهای
سرمایه‌داری جهانی، قیمت طلا نیز تنزل کرد.
امپریالیسم آمریکا برای ادامه سلطه خود بر بازارهای جهانی،
این بار بکمک نظریه پردازان فانیست سلکنی چون میلتون فریدمن
و جرج شولتز، وزیر سابق خزانه‌داری آمریکا، به اصطلاح اقدام
به اصلاح نظام پولی بین‌المللی نمود. تمام ساسی این جیره‌خوران
مجموعه‌های نظامی- صنعتی این بود که اولاً هر چه موجود در
سیستم گردش پول جهانی را بنفع آمریکا حفظ کنند. ثانیاً طلا
را از سیستم پولی جهانی خارج سازند. اما علیرغم تمایل محافل
مذکور، طلا نه تنها از سیستم گردش پول بین‌المللی خارج نشد،
بلکه بدلیل وجود قمرس از تورم و بحرانهای اقتصادی-اجتماعی، سر-
ماهدازان را بسود جلب کرد. مارکس میگوید: «آنجا که...
انتقال ثروت از کشور به کشور مورد نظر قرار گیرد و
هنگامیکه این انتقال ثروت... میسر نباشد، آنکاه طلا... بمتابه
ماده اجتماعی مطلق ثروت بکار میرود» (کاپیتال جلد اول صفحه
۱۵۹).
قیمت طلا در بازارهای جهانی بار دیگر بدلیل فوق، یعنی

ضد انقلاب

هنوز در رسانه‌های گروهی پایگاه دارد

از گذشته درس بگیریم

ایران و «مهران مصور» را دیده بودند، از کثرت حملات به حزب توده ایران و وفور سپهپاشی علیه آن متعجب شده، از خود می‌پرسیدند: در حالی که این مجلات علیه امپریالیسم آمریکا چیزی نمی‌نویسند، چرا اینقدر به حزب توده ایران دشمنان می‌دهند؟

اکنون پاسخ این پرسش را میتوان به روشنی داد. امپریالیسم آمریکا، که بدرستی دشمنان خود را می‌شناسد، در مجلات دست‌نشانده خود تک‌تک با حمله علیه انقلاب و رهبری آن، بیکرترین متحد امام و قدیمی‌ترین و نیرومندترین سنگر مبارزه ضد امپریالیسم، یعنی حزب توده ایران را هم نشانه گرفته بود.

برخی از آنها که در «امید ایران» سخنان «شبه‌فرموده» و «مسیا ساخته» را در مورد حزب توده ایران تکرار می‌کردند، اکنون هم با «عجریه پنجاهساله»، همان افترا را در رادیو و برخی نشریات علیه حزب توده ایران ادامه می‌دهند.

در تمام مقالات، اخبار و صحایبه‌های این دو مجله، حزب توده ایران را «کارگزار بیگانه، دشمن ایران، خائن» و از این قبیل واژه‌های «فرهنگ سیاه» لقب می‌دادند. نویسندگان این نوشته‌ها، هنوز هم بسیارشان سر در آخور پختیار و دیگران دارند، خود را «وطن‌پرست» و «ملی» و «مستقل» میدانستند. البته این مدعیان هانپاتی هستند که اکنون معلوم شده مستقیم و غیرمستقیم از جاسوسان آمریکا دستور می‌گرفته‌اند و در انجمن‌های فرهنگی آمریکا راضی می‌شده‌اند.

نشریات دست‌نشانده، در حالیکه با تمام قدرت توپخانه خود علیه حزب توده ایران آتش می‌کردند، به تعریف‌سازمان‌ها و گروه‌های چپ‌ها و چپ‌روها پرداختند و با ترویج مدام و کف‌زدن برای آنها، راضیان را تأیید کردند. وقتی در تابستان گذشته اغلب نشریات ضد انقلابی تعطیل شد، همین چپ‌ها و چپ‌های افراطی، با یاری لیبرال‌ها، به تظاهرات دست زدند و تعطیل این جراید را «دورخیز به آزادی و ظهور فاشیسم» اعلام کردند. یکی دیگر از سنگرهای امپریالیسم روزنامه «بامداد» بود، که به شیوه‌ای دیگر به مبارزه با انقلاب ادامه می‌داد: صفحات این روزنامه پیش از آنکه افشا کننده فعالیت‌های ضد انقلاب و ترویج‌کننده اندیشه‌های منطبق با مصالح انقلاب باشد، جولانگاه گروهک‌های ضد انقلابی، احزاب پیرو امپریالیسم و عناصر مشخصاً چنایکتار، خائن و مشکوک است.» (مردم شماره ۱۱۱ - ۱۷ آذر)

چنین می‌نماید که این قطع مربوط به گذشته است، اما متأسفانه باید گفت که خطر همچنان باقی است. کسانی که در مطبوعات ضد انقلابی یاد شده قلم می‌زدند، اکنون در برخی نشریات دیگر و بخشی از رسانه‌های گروهی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

اکنون هدف همه دشمنان انقلاب ایران یکی است: خارج کردن دشمن اصلی مردم ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، از زیر غریبه. مقامات مسئول که طبیعتاً باید پیش از اینها حداقل از دو ماه و نیم پیش که لانه جاسوسی اشغال شد، از فعالیت وسیع ضد انقلاب باخبر باشند، بسیار دیر اقدام کردند. نتیجه این شد که ضد انقلاب توانست نزدیک به ۸ ماه علیه انقلاب سپهپاشی کند، و آنگاه که فعالیت دشمن قطعات عظیمی به انقلاب زد و در ناآرامی کشور تأثیر مهمی گذاشت، فعالیت برای افشای مطبوعات ضد انقلابی آغاز شد. اما این بار نباید تأخیر کرد. باید از تجربه پیشین درس گرفت و ضد انقلاب را در همه‌جا، از جمله در رسانه‌های گروهی افشا و طرد کرد. تأخیر در این امر به زیان قطعی انقلاب است.

پنجاه نام و دادگاه‌های انقلاب، که آن موقع در مدرسه علوی تشکیل میشد، راه یافت. (اکنون که ارتباط او با آمریکا روشن شده، باید این ساله هم تحقیق شود که در آن موقع نوری‌زاده چه وظیفه‌ای را در ارتباط با امریکاییها داشته است.)

طول کشید که صفریور و نوری‌زاده یکدیگر را جستند و مجله‌امید ایران از این موقع، که مسادف بافروردین ماه امسال است، با این روش بکار ادامه داد: «نوری‌زاده متذکر شد که سیاست درازمدت در مجله‌اش، ایجاد قریبونی برای لیبرال‌های ایرانی است و به همین دلیل مقاله سردبیر این هفته به انتقاد از سیاست انحصاری در اداره کشور و حمایت از آینده رهبری جمعی پرداخته است که یک مخالفت علنی با خمینی محسوب میشود.» (از سند رابطه نوری‌زاده با وابسته مطبوعاتی آمریکا)

و برای اجرای این سیاست بود که سینه‌چاکان «آزادی»، مجله امید ایران را قریبون خود کردند و از «چپ» و راست انواع و اقسام سازمانها و شخصیت‌های مشکوک در صفحات این مجله به جولان برداشتند. عکس برخی‌ها، در حالیکه زیر نام و هکس مسدود پنهان شده بودند، رو جلد مجله آمد و نظراتشان به وفور چاپ شد. «آزادبخوان» به انقلاب خائند و خبر از «فرارمیدن فاشیسم» دادند. برخی از شاعران، که دست بوسی‌ها را فراموش کرده بودند، به

نشریاتی که مستقیماً از جاسوس‌های آمریکایی دستور می‌گرفتند، حزب مسا را دیگانه پرست می‌خواندند.

نشریاتی که سفارت آمریکا آنها را اداره می‌کرد، متحداً علیه انقلاب، امام و حزب توده ایران مطلب می‌نوشتند.

هنوان مجارودانه‌مره، نگران از بین رفتن «آزادی» شدند. ویران شاپور پختیار در حزب ایران، که هنوز هم با پختیار تماس دارند و دستورات او را اجرا میکنند، اعلام داشتند که «روح اسلام از اینگونه رفتارها بیزار است» و خلاصه همه این آقایان انقلاب را زیر آتش گرفتند. اما نقش «امید ایران» بیشتر از این بود. این مجله در دست پایگاه پختیار بود. عکس او روی جلد چاپ میشد و در «دادگاه» مجله از خیانت بهره می‌گرفتند.

از اینها گذشته، زنگ‌هایی که این روزها کوس رسوائی‌شان را از پای لانه‌جاسوسی می‌زنند، در این مجله کاندیدای اداره کشور شدند. «امید ایران» در شماره ۲۳ خود نوشت:

«مدتی در روزهای پایانی مبارزه نقش ویژه‌ای داشت و فعالیت او در جهت جلوگیری از خوریزی بیشتر و ایجاد تفاهم بین پختیار و امام فراموش نشدنی است. قابلیت مدنی در خوزستان باعث شد یکبار دیگر نگاه‌ها متوجه او شود. چه در حال حاضر کشور بیخ از هر چیز به یک ملتهردقاطع نیازمند است.»

عبدالله والا هم سراغ مسعود پهنود، اجراکننده تیر اول، یعنی صرفنامه از شاه خائن و قفسنامه علیه کشور

سر تیغ سینه چاکان «آزادی»، مدافعان «دموکراسی»، مخالفان «فاشیسم آخوندی»، دشمنان «استبداد عبای و نظیرین» و دشمنان «حزب توده ایران» در جیب گل‌گشتاد عمو سام پیدا شد!

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با افشای اسناد رابطه «بامداد»، «امید ایران»، «مهران مصور» و «کبریا» تا یز به جاسوس‌خانه آمریکا در تهران، این واقیعت را با اسناد غیرقابل انکار تأیید کردند که:

«رژیم پهلوی سرنگون‌شده و امپریالیسم پشتیبان آن ضریب دیده، ولی عوامل و بازمانده‌های آنان نابود نشده‌اند، در مجموعه دستگاہی که از رژیم سابق بجا مانده، آنها مواضع حساسی را همچنان در اختیار دارند، از جمله مطبوعات. ضد انقلاب امپریالیسم و بلژماندگان رژیم پهلوی - از مواضعی که در اختیار دارند، برای تحریک، توطئه آشوب، تفتین، تفرقه‌افکنی، اختلال، خرابکاری، سردرگمی، گمراهی و در یک کلمه برای تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب استفاده می‌کنند، از جمله مطبوعات.» (مردم - شماره ۲۲-۲۳ مرداد ۱۳۵۸)

این اسناد نشان داد که:

«چارچوبان و بزرگ‌کنندگان - چهره استبداد و امپریالیسم، فارغ از هر دغدغه‌ای، در پشت‌حاشی - ترین پلندگوهایی تبلیغاتی، به زهرپاشی ادامه می‌دهند، و جالب اینکه این عمل و اگره‌گندی به نظم و آیین استبداد، چنان در زیر علم و کتل «آزادی و آزادی‌خواهی» سینه چاک می‌دهند که گویی رسولان دست از جان شته آرمان شهادت‌انده.» (مردم - شماره ۴۴ - ۳ مرداد ۱۳۵۸)

اکنون، هر چند بسیار دیر، اما خوشبختانه سرانجام این واقیعت‌صحت خود را، به آنها که گوش‌های خود را بسته دوست میدارند، اثبات میکند و از پشت سیمای رنگین مطبوعات «آزادی‌خواه»، چهره‌گریه امپریالیسم امریکاییتر و بیشتر نمایان میشود. چهره‌گریه‌ای که ماسک زیبایی به صورت خود زده است: «آزادی»!

نگاهی به نشریاتی که در خورس «آزادبخوانی» آنها را جیب عمو سام بیرون آمده، بار دیگر دو واقیعت را ثابت میکند:

۱- لیبرالیسم، نقاب امپریالیسم

وقتی در سال ۱۳۵۶، شاه خائن فریب «دشمنان بیار سیاسی» را اختراع کرد، بلافاصله سوچر آزبون، مغز متفکر ساواک، اعلام کرد که مطبوعات توقیف‌شده آزادی-شوند. نشریاتی که چند روز بعد به نشانه «باز شدن فضای سیاسی» ایران اجازه انتشار گرفتند، در واقع عسای دست امپریالیسم بودند: «امید ایران»، «تهران مصور» و... گویا آزبون می‌دانست که بعد از مدوم شدن خودش، این نشریات راهش را دنبال خواهند کرد. چنین هم شد. «وادی» و «صفریور»، عمال سابقه‌دار رژیم شاه مخلوع وقتی انقلاب رژیم را فرو ریخت، لباس «آزادی‌خواهی» به تن کردند.

«صفریور»، که یکی از «امیدهای ایران» برای امپریالیسم بود، به سراغ دکتر علی‌رضا نوری‌زاده رفت. نوری‌زاده در زمان انتصاب مطبوعات، همه روز خود را در که انتصاب او بشکند و بعد هم در جلسه دیدار نویسندگان مطبوعات با پختیار، نوری‌زاده، که مشاور مطبوعاتی «مرغ طوفان» بود، گوشید آنها را با ارباب آشتی دهد، اما باز هم موفق نشد. نوری‌زاده به یکی از روزنامه‌های مسر رخنه کرد و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان خبرنگار همین روزنامه

دربستک، ضد انقلاب در چهره افغانی، میکوشد تا امپریالیسم را از زیر ضربه خارج سازد

اخیراً دو نفر جوان که ادعا می‌کنند افغانی هستند و تسلط کامل بر زبان فارسی دارند، در بستک وحوالی آن دست به تحریراتی زده‌اند و در برنامه‌های تبلیغاتی خود میکوشند با انحراف در افکار مردم، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند. خود در جوان در بستک سخنرانی در مسجد بستک، بعد از جلسات توجیه در اتحاد شوروی، به حکومت ضد امپریالیستی لیبی تاخته و جمال عبدالناصر، رهبر ملی مصر را شخصی «نادارست» معرفی می‌کنند. خوشبختانه مردم با روش پستی خود مانع ادامه این تحریرات می‌گردند. جالب‌توجه اینکه این دو جوان بظاهر افغانی در صحبت‌های خود اعتراف میکنند که «مسلمانان» افغانی توسط فتوادای داخلی و امریکا حمایت میشوند. این دو جوان بظاهر افغانی ضد انحرافات شمس بنام صدیقی دهر دهرستانهای بستک برخورد دارند.

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

هم گسیخته و پریسانی خواهد یافت که در زیر پاشنه ارجحی‌ترین دیکتاتورها به خود می‌چسبند، زندانها انباشته از بیگانهان، ساطور سانسور همه‌جا حاضر و ایادی امپریالیسم بر حساس‌ترین مواضع چیراند. زنان ازبختی که بدان دست یافته بودند، دوباره به اساق آشپزخانه‌ها رانده شده و در پیچه‌چادر و چاقچور فرو رفته‌اند، گرانی بیداد میکند، رشوه و فساد از سر و کول مملکت بالا می‌رود، امنیت کیسیاست، عدالت ستاری است. همه‌جا تاریک است.

حزب توده دورستی از امید پیدا نیست... چنین صورتی را جامعه ما، هر بیننده و ناظری را بر اختیار به این قضاوت میکشاند که: «صد رحمت به دوران آریامیری» (مردم - شماره ۴۴ - ۳ مرداد ۵۸)

«امید ایران» و «مهران مصور» وظیفه دیگرشان، به همان اهمیت، وظیفه اول و در رابطه تک‌تک با آن، حمله به حزب توده ایران بود و این همان واقیعت بعدی است:

۲- حمله به حزب توده ایران

کسانی که آروزها چند شماره از مجلات «امید

شماره ۴

دنیای

منتشر شد:

در این شماره:

- انقلاب ایران به مرحله عالیتری گام نهاده است
- نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی و پیشینی که حزب ما از این نظام دارد
- مبارزه دهقانان اوج میگردد
- جان‌گرنانه‌ای که حسین در راه خلق برکت نهاد
- ۲۱ آذر، اوجی چشمگیر از مبارزات مردم ایران
- ماورید گاه‌های نو در جنبش چپ ایران
- وقلاتی در بهار، نقاشی معاصر ایران - ضرورت دگرگونی در نظام دولتی ایران - چین و بر کافئیتی - بحران اعتماد در جهان امپریالیسم
- و بسیاری مطالب دیگر

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر، خدمتی است به رونق اقتصاد کشاورزی و خواست مبرم دهقانان زحمتکش است

الخبارة دهقانی

پشتیبانی قاطع از اصلاحات ارضی

دهقانان، کوردان باها یاور وقاص خان سنجایی تلکرامی به شرح زیر به دفتر امام خمینی منجاریه کردند، اما دهقانان منطقه سنجایی از تصمیمات شورای انقلاب و رضا استهبانی، معاون وزارت کشاورزی، مسدود و پشتیبانی قاطع مینمائیم. این مناطق شامل کوردان، باها یاور وقاص خان می‌باشد و از مقام رهبری می‌طلبیم که هر چه زودتر دستور فرمایند طسرح شورای انقلاب به مورد اجرا درآید.

دربستک، ضد انقلاب در چهره افغانی، میکوشد تا امپریالیسم را از زیر ضربه خارج سازد

اخیراً دو نفر جوان که ادعا می‌کنند افغانی هستند و تسلط کامل بر زبان فارسی دارند، در بستک وحوالی آن دست به تحریراتی زده‌اند و در برنامه‌های تبلیغاتی خود میکوشند با انحراف در افکار مردم، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند. خود در جوان در بستک سخنرانی در مسجد بستک، بعد از جلسات توجیه در اتحاد شوروی، به حکومت ضد امپریالیستی لیبی تاخته و جمال عبدالناصر، رهبر ملی مصر را شخصی «نادارست» معرفی می‌کنند. خوشبختانه مردم با روش پستی خود مانع ادامه این تحریرات می‌گردند. جالب‌توجه اینکه این دو جوان بظاهر افغانی در صحبت‌های خود اعتراف میکنند که «مسلمانان» افغانی توسط فتوادای داخلی و امریکا حمایت میشوند. این دو جوان بظاهر افغانی ضد انحرافات شمس بنام صدیقی دهر دهرستانهای بستک برخورد دارند.

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

دادیو شهر کرد، روز ۵۸/۱۱/۲، این خبر را اعلام کرد. این دادیو ضمناً اطلاع داد که، کشاورزانی که روی زمین‌های مذکور کار می‌کردند، جهت دریافت سند مالکیت زمین به سپاه پاسداران مراجعه کنند. علاوه موضوع فوق‌الذمهای جمهوری اسلامی ایران، مرکز اصفهان، در تاریخ ۵۸/۱۱/۳، نیز بهشت گردید. مردم باخوشحالی باین عمل انقلابی و اقدام ضد فتوای نهنت

اخبار کارگری

هشیاری کارگران چیت سازی تهران «با فکار»

کارگران چیت سازی تهران مدت ها است از شورای کارخانه خواستار تسویه عوامل ضد انقلابی شده اند. شورا تاکنون در این جهت قدمی برنداشته است. زیرا آن طور که خود کارگران میگویند یعنی از نمایندگان نه از کارگران، بلکه از مدیرعامل شرکت حرف شنی دارند. احمد سالم، مدیرعامل شرکت متوجه خروج است. ساله پاکسازی از نظر فنی و اقتصادی به تأخیر افتاده سازمان کسپرش (کارخانه چیت سازی وابسته به این سازمان است.) تصمیم گرفت خود را با وارد عمل شود. اعلامیه های در این مورد انتشار یافت. ولی همان نمایندگان که خود نمایان کارگری و دهنده اعلامیه ها را از دیوارها کردند تا کارگران در جریان امر قرار نگیرند. در مورد مقر کمی باید نمایندگان اتحادیه سازمان کسپرش کارخانه بودند. اتفاقاً برق کارخانه قطع شد و کارخانه در روز تعطیل شد. به این ترتیب جلسه افشاکاری به تأخیر افتاد. به نمایندگان گفته شد که ممکن است به بهانه و دخالت سازمان در کار کارخانه، اشتباهی صورت گیرد و بنابراین سازمان کسپرش از تعقیب جریان امر منصرف شد. قرار نهایی بر این شد که شورا مجمع عمومی تشکیل دهد و در آن مجمع اسامی ساواکی ها اعلام و تصمیم لازم اتخاذ شود.

کارگران در مراجعات مکرر خود دریافتند که نمایندگان از تشکیل مجمع تن می زدند و زیر بار نمی روند و ناگزیر خواستار انحلال شورا شدند. فرادین خواست کارگران در مجمع عمومی مطرح شود.

ولی مجمع تشکیل نشد، زیرا شورا زیر بار نرفت. سرانجام کارگران نتواند چهارم داد در این دیدند که به جلسه شورا بروند و شورا را مورد انتقاد قرار دهند. در اثر بی وفیاری کارگران، روز سه شنبه ۵۸/۱۰/۲۵ مجمع عمومی تشکیل جلسه داد. در این جلسه یکی از نمایندگان به بهانه این که در برابر تهدید فوریال ها باید از او محافظت شود، با اتفاق ۱۰ پاسدار مسلح به مجمع آمد و دو نفر از آنان را با تفنگ ۳-۳ رولس مستقر کرد. کارگران که از این حرکت بدتد و خشم آمده بودند، این عمل را اقدامی در جهت ارضای خود ارضایی کردند، ولی در همین حال آرامش خود را حفظ کردند.

کارگران جلسه را به آرامی ترک گفتند تا بهانه ای بدست کسی ندهند. آن ها منتظر اقدامات بعدی شورا در جهت پاکسازی و برطرف کردن مشکلات موجود هستند.

کارگران شرکت «گروه» حقوق و مزایای پرداخت نشده را می خواهند

کارگران شرکت گروه، که اجرای ساختمانهای الهامی بیمارستان شیراز را در دست دارند شرکت چکش گرفته است، میگویند مدت شش تا ده سال است که برای این شرکت روزانه تا ۱۰ ساعت کار کرده اند و در تمام این مدت از دریافت مزایا و حقوق اضافه کاری محروم بوده اند.

دردوران انقلاب، زمستان سال گذشته، شرکت از ترس سهم کردن کارگران در سود کارگاه، بیشتر کارگران با سابقه را اخراج کرد، و از این عده فقط آنهایی که به اداره کار شکایت کرده اند، متداری از مزایا و حقوق خویش را دریافت کردند.

بعد از انقلاب فشار کارگران بیکار شده و هراجه آنان به اداره کار و سایر مراجع قانونی، شرکت مجبور شد کارش را از سر گیرد. کارگران این شرکت خواهان حقوق قانونی پرداخت نشده خود هستند و میگویند ما همزمان با سهامداران شرکت، که فقط مالک یک تاسی با بودند، در این شرکت شروع بکار کرده ایم، بطور امروز فقط سند اموال و املاک آنها یک تاسی با دارد و پرمیکنند و ماروز برودند و ما نه تنها هیچ سهمی از سود نداریم، بلکه پرداخت حقوق قانونی کارگران و چپا و ل بیت المال یکم یک مهندس ایرانی خوشایند هوشنگ نهارندی، که رئیس و مدیر عامل مؤسسه مشاور سایی است، امکان پذیر نبوده است.

مدیرعامل گروه و سایی که بیامانکار و مشاور طرحهای دانشگاه شیراز هستند، در گذشته زیر سایه هوشنگ نهارندی میلوونها ریال از اموال مردم را غارت کرده اند و هنوز هم کماکان بکار خویش ادامه میدهند.

کارگران میگویند آیا وقت آن نرسیده است که در پناه جمهوری اسلامی حساب و کتاب گذشته این چپاولگران رسیدگی شود و دست این غاصبین و عوامل ضد انقلابی، که هنوز هم با نهارندی و خواجه ارتباط دارند و در تدارک خروج اموال غارت شده هستند، از امور کوتاه گردد؟

چرا تولید آهن اسفنجی متوقف گردید؟

در ناحیه اهواز سه کوره بلند، برای احیاء سنگ آهن وجود دارد. یکی از این کوره ها، که قدیمی ترین آنها نیز هست، بکلی از کوره تولید خارج شده و جدیدترین آنها هنوز مورد آزمایش و بهره برداری قرار نگرفته است. بنابراین، امر احیاء سنگ آهن فقط توسط یک کوره انجام میگردد.

احیاء سنگ آهن با قلع بقرآورداد یکم میلهارد و پسا نقد میلوون دلاری به شرکت فاسترویل واگذار گردید. ولی متأسفانه این شرکت، بعد از انجام ۸۰٪ عملیات، از مهرماه ۵۷ کلیه اقدامات را در تولید و احیاء متوقف کرد.

بدیهی است که رکود و توقف تولید ضرر قابل توجهی به اقتصاد کشور خواهد بود، بخصوص در شرایط فعلی که تجدید حیات تولید در دستور روز قرار دارد و با توجه به اینکه دولت ناگزیر مبالغ هنگفتی حقوق مساهانه کارگران این صنایع را بدون بهره برداری از تولید می پردازد، این سؤال مطرح میشود که براساسی چرا شرکت فاسترویل احیاء سنگ آهن و تولید آهن اسفنجی را متوقف کرده است و مقامات مسئول در مورد این امر چه اقداماتی انجام داده اند؟

لاینحل ماندن مشکل مسکن زمینه سوءاستفاده ضد انقلاب شده است

در آستانه نخستین سالگرد انقلاب هستیم. با وجود سخنان فراوان از سوی مراکز متوجه تصمیم گیری در مورد واگذاری خانه به مستضعفین، هنوز کودکان نینان، که پیش از ۲۰۰ خانوارند، همچنان گودنشین اند. زاغه ها و کپرهای خشت و گل وحشی، حاشیه نینان شهرها را در خود جای داده اند. دویست هزار خانواده ای که با امید دریافت مسکن از گوشه و کنار کشور به تهران کوچ کرده اند، در آلونک ها بزم میبرند. چادرهای برزنی حتی در پیاده روی های خیابانهای اصلی شهر تهران پشم میخورند، که در این سرمای زمستان، خانواده بی پناهی را در دل سرد و مرطوب خود پناه داده اند. در سراسر روستاهای ایران مردم زحمتکش در کلیه های محقر غیر بهداشتی خود میخواب هستند.

تصمیمات متعدد مراجع مسئول دربار مسکن مسکن برای مردم زحمتکش صورت گرفته است، زیرا متأسفانه هر تصمیم جدیدی تصمیمات قبلی را نقض کرده و خود در عمل قابل اجرا نبوده است.

در مرداد ماه، یعنی شش هفت ماه پیش اعلام شد که اگر خانه های خالی تا اول زمستان به اجاره واگذار نشود و به فروش نرسد، این ۹۰ هزار خانه خالی به مستضعفین واگذار خواهد شد. خانه های خالی نه به اجاره رفت و نه بفروش رسید، و لسی خانواد های مستضعف صاحب خانه و آنها نشدند. گردش در خیابانهای شمال شهر به روشنی نشان میدهد که این خانه های چند طبقه لوکس و ویلاهای وسیع طاقتی یا بکلی خالی اند و پسا محل سکونت یک یا دو مستخدم ارهاب فراری خانه. تعداد زیادی ساختمانهای نیمه تمام، که صاحبان آنها پسا فراری و یا در دادگاههای انقلاب محکوم به اعدام شده اند، ماهها خاک خوردند و اکنون برف میخورند. شهرکها و مجتمع های مسکونی نیمه تمام طاقتی، که پولها را به جیب زده و راهی «غرب» سقبله گام خود شده اند، همچنان نیمه کاره باقی مانده اند. هنوز از خانه های که کارود سابق جابویدان در لسوزان ساخته بود و هم تشکیل کفای پایان آنرا نداده، هنوز هم ناتمام به عابرا می نگرند. در عرض هر روز شاهد صف طولانی متقاضیان مسکن در برابر مراجع مختلف تصمیم گیری، از قبیل وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن، بنیاد مستضعفین وغیره هستیم، که مراجعات مکرر آنها را خسته و فرسوده ساخته و هدای از آنها، بی آنکه خود بدانند و بفهمند، طمه لذیذ ضد انقلاب شده اند.

ضد انقلاب شامه تیز دارد. لباس طرفداری از مستضعفین میپوشد و پسران بی خانمان را در آن برای اشغال این یا آن آپارتمان خالی بسیج میکند و چون خانه به تصرف آنان درآمد، پاسداران انقلاب، پناه و وظیفه محوله.

مقاصد دولت اخیراً تصمیم گرفته است، این خانه ها و آپارتمانها را تحت شرایطی بفروشد و یا به اجاره واگذار کند. همانطور که قبلاً گفته ایم، طبقه کارگر در مقابل زحمتکش و سایر اقشار کم درآمد نه قادر به خرید این خانه ها هستند و نمیتوانند اجاره بدهی آنها را، که طبق شرایط تعیین شده حداقل بیش از ۳-۲ هزار تومان در ماه میشود، پرداخت کنند و اتفاقاً اکثریت بر خانه ها را همین گروه زحمتکش تشکیل میدهند.

دولت انقلابی، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی در درجه اول موظف به تأمین مسکن برای همین قشر انبوه از بی خانمانها است.

تأمین مسکن برای طبقات اقشار کم درآمد، نه با فروش خانه های خالی میسر است و نه با اجاره این خانه ها به آنان. برای این قشر مستضعف باید از طریق سرمایه گذاری وسیع دولتی برای خانه سازی در شهر و روستا، واگذاری وام و زمین به متقاضیان مسکن به منظور ساختن خانه های ارزان قیمت و واگذاری سازمانی وام و زمین برای ساختن خانه های سازمانی برای کارگران اقدام کرد. در کونامد متعین خانها و آپارتمانهای خالی را در قبایل اجاره بدهی قابل به آنها واگذار کرد و ساختمان مجمع های مسکونی و شهرکها را برای واگذاری در کوتاه ترین مدت به پایان رساند.

برای حل مشکل مسکن بیش از این تلاش روایت است. اگر بمولع حل نشود، میتواند مانند مسئله ملی و مسئله ارضی که علی رغم هشدارهای شاهای حزب پسا بمولع حل نشد، احیاءاً به گره کور تبدیل شود. بویژه با توجه به حساسیت وضع، قیامد چنین چیزی را اجازه داد.

کاخ بیدار بزرگ کنیم

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید.

کمک مالی خود را به نام رضاشاد کوی، شماره پانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی ایش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

من یکنون خانه دار ارمنی هستم که از مخارج عید و سال نو مسیحتی مبلغ بیست هزار ریال صرفه جویی کرده ام و آن را برای ساختن خانه حزب توده ایران و خانه امید تمامی زحمتکشان ایران تقدیم می کنم.

۱۰۰۰	ریسا ازمنانه
۳۰۰۰۰	هواداران حزب دهرههر
۱۵۰۰	نصرت ه
۱۰۰۰۰۰	از کرمان
۱۲۶۲	آسیه ۲، یک لیره ترک (نقره) و
۵۵۰۰۰	هواداران حزب از دانشکده دامپزشکی دانش آموزان دمکرات دهرستان دخترانه
۳۰۰۰۰	سرور آلاپوش آمل
۱۰۰۰۰	ج. پختیاری از مسلمانان فلکدر آمل
۶۵۱۲	پاک از صندوق خانوادگی نوشن
۲۲۲	الف. و از اهواز
۱۰۰۰۰	ریسا بخارانی
۱۹۹۰۰	سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - شیراز
۳۵۳۳۵	دانش آموزان دمکرات شیراز
۲۳۸۸۵	گروهی از دانش آموزان هواداران حزب در بابل
۸۵۰۰	ولی که رفیق و حسن و مهمل با یاد و کردن برف فراهم کرده اند
۳۵۲۵	

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

امین مبلغ ناچیز را به حزب تقدیم کنید

یکی از هواداران حزب نرده ایران که سوار تاکسی شده بود، مقوله ای از «مردم» را برای مسافری پسا ای بلند خواند. دانند تاکسی، که اشک شوق در چشمانش جمع شده بود، گفت: «من مدتی در زندان بودم و حزب توده ایران را می شناسم. خوشحالم که فعالیت این حزب علنی شده است.»

وی در انتهای مسیر از دریافت کرایه رفیق هوادار خودداری کرد و مبلغی نیز به او داد و با صدای لرزان گفت: «این مبلغ ناچیز را به حزب تقدیم کنید.»

توجه از همه دوستانی که به هر یک از حساب های بانکی حزب توده ایران وجهی واریز می کنند، خواهشمندیم فتوکپی رسید بانک را برای ما ارسال دارند

جنوب لبنان، که هلت اصلی آن تجارزات وحشانه اسرائیل است، یکبار دیگر ربا کارانه حقوق بشر، را که، امپریالیسم آمریکا بر جبهه زده است، از هم جدا کرد.

امپریالیسم انگلستان همچنان در زیمبابوه به توطئه مشغول است

توطئه امپریالیسم فرتوت و ربا کارانگلیس برای کارشکنی در آزادی واقعی زیمبابوه (رودزیا) خشم محافل ترقیخواه آفریقا را برانگیخته است. یک سخنوی جبهه میهن پرستان در دادارالسلام پایتخت تانزانیا، گفت:

دو هزار سرباز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی پسا حمایت حکومت لندن در رودزیا پسا می برند. این سخنکو گفت:

دروش امپریالیسم انگلیس در مورد حل و فصل مسئله زیمبابوه (رودزیا) درست مشا و روشی است که انگلیس در قبایل مسئله فلسطین پیش از تحویل دادن آن به صهیونیستها، پیش گرفته بود.

از سوی دیگر کمیته آزادی پشتر سازمان وحدت آفریقا خواستار اجلاس فوری شورای امنیت برای بررسی تحریمات انگلیس در رودزیا شد.

در افغانستان، بسیاری از افراد شورشی، که بر اثر تبلیغات گمراه شده بودند، سلاحهای خود را تسلیم کرده اند

هریک کامل رئیس شورای انقلابی افغانستان در یک معاهده مطبوعاتی در کابل پارودیکر تأکید کرد که امپریالیسم آمریکا و چین سعی دارند در افغانستان دست به خرابکاری بزنند. کامل گفت که کمکهای اتحاد شوروی به انقلاب افغانستان این امکان را فراهم ساخت تا طرحهای شوروانه و قبحانه امپریالیستهای آمریکائی و برتریه طلبان چین خنثی شود. رهبر افغانستان تأیید کرد که در پی آغاز مرحله جدید انقلاب در کشور، نظم انقلابی برقرار شده است. کامل ضمن سپاسگزاری از کمکهای اتحاد شوروی گفت که بسیاری از افراد شورشی، که بر اثر تبلیغات گمراه شده بودند، سلاحهای خود را تسلیم کرده اند.



پلیس آمریکا سیاهان را می کشد

صدها تن از سیاهان و سیاهان شهر «ایداهو» در ایالات اوکلاهما در آمریکا، به عنوان اعتراض به جنایت وحشیانه پلیس و سرکوب سیاهان دست به تظاهرات زدند و با افراد پلیس به زدوخورد پرداختند سیاهان بویژه به قتل یک نوجوان ۱۵ ساله سیاه بوسیله پلیس اعتراض داشتند. پلیس شهر «ایداهو» تلاش کرده بود روی این جنایت سرپوش گذارد. بنا به پاره ای گزارشها، در جریان نهراندازی پلیس بسوی زحمتکشان سیاه پوست، دو تن از سیاهان کشته شدند. پلیس عده زیادی از تظاهر کنندگان را بازداشت کرد.

تحریمات آمریکا در گره افزایش یافته است

جمهوری دموکراتیک خلق کره اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا با بنیام مانورهای تحریک آمیز نظامی در شبه جزیره کره، تشنج را در این منطقه دامن میزند.

جمهوری دموکراتیک خلق کره اعلام کرد که آمریکا باید همه نیروهای اشغالی خود را از کره جنوبی خارج کند. امپریالیسم آمریکا در چند هفته اخیر تحریمات خود را در شبه جزیره کره افزایش داده است. چند هواپیمای جاسوسی آمریکا بارها به حریم هوایی جمهوری دموکراتیک خلق کره تجاوز کرده اند.

بر اثر تجاوز اسرائیل، ۲۵۰ هزار تن در جنوب لبنان آواره شده اند

تجاوزات وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان، که با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا صورت میگیرد، به آوارگی بیش از دویست و پنجاه هزار تن از ساکنان این منطقه منجر شده است. به موجب آمارهایی که در بیروت منتشر شده، در پنج سال گذشته بیش از ده هزار خانه بوسله اسرائیلی ها و راست گرایان ویران شده است. آوارگی ساکنان

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!

آبادر مورد مادروغ میگویند، ولی در مورد دیگران درست؟

صدا و سماع جمهوری اسلامی ایران، پاره و پاره پدستی تسکند کرده است که رسانه های گروهی غرب در قبضه اقتدار امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارد و همین جهت مانع از آنست که واقعیت جهان نشر گردد و سفسطها و دروغها و جملیات مورد علاقه خود را اشاعه می دهد.

بهره نیست که رژیم انقلابی ایران عذر جسی از خبرنگاران آمریکائی را خواسته و به خبرنگاران کشورهای غربی دیگر اخطار کرده است.

ما خود شاهد جنجال افشاء آهمن مجیب و غربی هستیم که این خبرنگاران در جهان علیه ایران، انقلاب آن، رهبران انقلاب آن پخش میکنند. امام خمینی در یکی از گفتارهای خویش چندی پیش گفت که، حتی بما نسبت میدهد که پستان زنان

را قطع میکنند! در این زمینه نمونه صد ها و صد ها میتوان ذکر کرد.

با اینحال وقتی نوبت به آن میرسد که این خبرنگاران جاهل و دروغ گو درباره کشورهای سوسیالیستی چه میگویند؟ آن موقع دیگر مراکز خبری ما تمام سخنان خود را از یاد میبرند.

چندی پیش با سروصدای زیاد خبر دادند که گویا کاردار شوروی در مکزیک مطالبی درباره کمک نظامی به ایران، در صورت ایزار تمایل از جانب رژیم انقلابی ایران، گفته است. بعدها معلوم شد که این خبر از بیخ و بن جعلی بود. ولی این معمول بودن ابداء مانع نشده که صدا و سماع ایران و بر خسی مطبوعات بزرگترین سر و صداهای را درباره این دروغ، این جمل مطلق بر پا

کنند.

یا مثلا در مورد حوادث افغانستان، همان رسانه های مفتی و کذاب امپریالیستی و صهیونیستی، یکسریه متبع پخش حقیقت و دفاع از عدالت از آب درمی آید و تمام جزئیات مطالب موزیانه ای که سر هم می کنند، بوسیله رسانه های گروهی، با نوعی احساس شور و شوق و ارادت پخش میشود.

برای ما مفهوم است که دست اندکاران رژیم انقلابی ایران مایلند ثابت کنند که آنها «نه شرقی هستند و نه غربی». ما کاری به کم و کیف این حکم نداریم و در آن حده معنای این حکم آنست که ایران باید بخود متکی شود و بمداخلات مخالف مصالح خویش از هیچ سومیان ندهد، هیچ عاقلی با آن مخالفت نمی کند. در روابط بین

کلیه کشورهای سوسیالیستی نیز اصل عدم مداخله در امور یکدیگر مورد تأکید قرار میگیرد. ولی آیا شکل اجراء این سیاست مستقل آنست که رفتار درست و نادرست دولتهای دیگر برای مایکسان باشد و دوست و دشمن با هم مخلوط کرده اند؟ اخیراً در تقصیری در صدای ایران مطلب درباره «کمک» کذائی آمریکا به پاکستان طوری ارائه شده است که هم از سوی کمک دهنده (آمریکا) این کار برای مقابله با تجاوزگری، شوروی است و هم برای کمک گیرنده (پاکستان) دارای سودمندیهای است. در این تفسیر دیگر از آمریکائی چه نواز، دشمن شماره یک خلقها، خبری نبود. حتی ندای سیاست «نه شرقی نه غربی» هم کم شنیده میشد. تفسیر این پیام را با خود داشت که برای ضیاع الحق در مقابل «خطر شوروی»

چه چاره ای باقی میماند؟! همه اینها صریح نبود، ولی روح تفسیر این را (شاید علی رفسم نویسنده اش، چون ما نویسنده را نمی شناسیم، ما نمی خواهیم سوئیتی برای وی قائل شویم) تلقین می کرد. اگر درست است که دستگاه عظیم رسانه های گروهی امپریالیستی، با آخرین حد مهارت روزنامه نگاری، با بالاترین تکنیک پخش و اشاعه، با زیباترین شکل ارائه مطالب، صاف و ساده بود گردنه گبران بین المللی، یعنی انصارهای چند ملیتی و صهیونیسم دروغ می گوید و جمل می کند و مطالب را سفسطه آمیز طور دیگری جلوه میدهد، پس این نیه فقط درباره ما درست است، در پاره دیگران نیز درست است، عدالت و انصاف حکم میکند که ما این تکه را فراوش نکنیم.

معانی واژه ها

مشاع

در این اواخر در رابطه با مسئله حیاتی اصلاحات ارضی و لزوم دادن زمین بدخشانان، بسیار گفته میشود که نباید زمینهای مالکان بزرگ را تکه تکه کرد، بلکه میتوان و باید برای استفاده معقول از زمین و امکانات کشت و صنعت، مالکیت اینگونه اراضی را بطرز مشاع در اختیار کلیه دهقانان قرارداد. به همین معنای واژه مشاع چیست؟ مشاع، یعنی آن اموالی (غیر متقول) که بین عده ای مشترک است و تقسیم نشده.

در مقابل مفروض (جمع آن افراز)، یعنی جدا شده و تقسیم گردیده، مشاع یک اصطلاح حقوقی است و درباره اراضی و خانه استعمال میشود.

زمینهای مزدومی و غیر مزدومی، که به ارث به وراث رسیده و هنوز تقسیم نشده، و کسی جز دوزخ خود را نداند، زمینهای مشاع نامیده میشود.

بدین معنی، مشاع اموالی است که بین دو یا چند تن مشترک است و سهم انسان را نمیتوان از خارج تمیز داد، مانند زمین یا خانه ای که مثلا دو نفر صاحب آن باشند و نصف مشاع آن را مالک و هر یک قسمتی از آن را مشخص و معلوم نیست.

درباره ای از مشاع در دوستانی ایران بر روی زمینهای مشاع، دهقانان دست جمعی کار میکنند و محصول را بین خود با در نظر گرفتن عواملی که در دهقانان با گذاشتن آن در زراعت شرکت کرده، تقسیم میکنند. مانند ۲ عامل بذر و گاو یا ۳ عامل بذر و گاو.

بیشک چنین نحوه کارزراعی با روحیه دهقانان ما، که قرنها بطور اجتماعی تولید کرده اند و اجتماعی هم بهره برداری کرده اند سازگاری دارد. آثار چنین کارهای زراعی اجتماعی را در پاره ها و صحراها، حراها، جنگلها، یعنی در واحدهای کار زراعی که امروز هم در روستاهای مافراوان وجود دارد، میتوان دید.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ صبح و از ۵ تا ۷ عصر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرهای دیگر نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

پیام سالیانه کارتر، سیاست غارتگرانه و تجاوز کارانه را علیه خلقها تأیید می کند

پیام خود باز هم به ایران اشاره کرد و گفت: «اعمال نفرت آور در تهران خشم مردم آمریکا را برانگیخته است.»

وی گفت: «آمریکائیان خواهان کرده برای پایان دادن به نقض جنایتکارانه موازین اخلاقی و حقوقی (بوسیله دانشجویان خط امام) کمک کشورهای دوست آمریکا را بدست آورد.»

کارتر تلاش کرده افکار عمومی را از ماهیت روابط ایران و آمریکا منحرف کند و گفت: «هرچند در روابط ایران و آمریکا غیر قابل توجه است و خطی از ناحیه شوروی است.» کارتر بار دیگر تقاب دفاع از اسلام را بر چهره زد و گفت:

جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا در پیام سالیانه خود به کنگره آمریکا، گرایش کسلی محور گسترش سابقه تسلیحاتی و افزایش تشنج در جهان دور میزند، تشریح کرد.

کارتر موضوع اساسی پیام خود را انقلاب های ایران و افغانستان قرار داد و اعلام کرد: «خلیج فارس و خاورمیانه جزو منطقه حیاتی آمریکاست.»

کارتر بار دیگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و به عبارت دیگر مردم ایران را «تروریست» خواند و گفت: «اکنون که با شما

دکتر باهنر: مساجد را محل آموزش بی سوادان قرار دهید

مخصوصاً این جنبه از موضوع هم لازم به تذکر است که انقلاب مردمی و اسلامی است و جز با رعایت و شور و شوق و اشتیاق و همگامی مردم نمیتواند به ثمر برسد و اگر این حرکتی اجتماعی بخواد صرفاً از کاندلای مخصوص رسمی و اداریتی حرکت بکند، نمیتواند چندان موفق شود و بایستی بسیج عمومی باشد.

یعنی هر فرد، هر کانون، هر مرکز، خودش را در این حرکت موظف بداند در این حرکت همان طوریکه در جهاد سازندگی احساس میکنیم و میببینیم چون متکی به بسیج عمومی مردم است، در امر عمرانی و آبادی موفق شده است و

شرکت در کنفرانس امپریالیستی پاکستان خیانت بمبارزان افغانستان است

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در پایتخت پاکستان در حال تشکیل میشود که جهان اسلام بخاطر دومین خیانت بزرگ سادات به دنیا، عرب و اسلام عزادار است.

آنچه که بیش از هر چیز گردانندگان چنین کنفرانس را در مظان اتهام قرار میدهد اینست که کشور اسلامی ایران که با انقلاب خویش رژیم ضد اسلام را سرنگون کرده و از سال گذشته بدینطرف زیر فشار روز افزون امپریالیسم آمریکا بوده، نه تنها چنین کنفرانس را برای تشکیل نشده، بلکه حتی در کنفرانسهای کوچکتری چون کنفرانس سران عرب در تونس و پاکستان اوپک در ابوظبی هم که دوام پیش تشکیل شده بود، اندک هماهنگی و حمایتی از انقلاب ایران در برابر فشار آمریکا نشان نداده اند.

روزنامه «الصبح» ارگان دولت الجزایر در شماره آخر دیماه خود یاد آور شده است که اجتماع وزیران خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد چه بسا که اثراتی منفی را بر مصالح عالی کشورهای مسلمان برجای گذارد.

چرا کشورهای اسلامی تا قبل از ماجرای افغانستان در برابر تهدیدات آشکار آمریکا علیه انقلاب ایران سکوت کرده بودند؟ این روزنامه پس از بررسی واقیبات اوضاع افغانستان اضافه میکند که «تعلیقات امپریالیسم علیه آنچه در کابل در جریان است بیچوجه ناشی از علاقه آن به حق آزادی و خودمختاری ملتها نیست، بلکه در مرحله اول زائیده تعلیقات انتخاباتی دولت آمریکاست. چگونه میتوان قبول کرد که واشنگتن که در گذشته بشوق و علمدار دخالت غرب در جزایر، آفریقای مرکزی بوده و نیز تجاوز به حقوق بشر در صحرای غربی علیه مسلمانان پولیساریو، فلسطین و کشورهای آمریکای لاتینی بوده، دلش بجا مسلمانان افغانستان سوخته باشد؟ «الصبح» مینویسد هدف پنهانی و غیر مستقیم امریکاسوه استفاده از ماجرای افغانستان برای ایجاد پایگاههای جدید نظامی در بعضی از کشورهای عرب و الحاق آنها به امپریالیسم جهانی و تحکیم اشغال فلسطین بوسیله اسرائیل است.»

سالیانست که مسلمانان عالم از صحرای غربی و سرکش فلسطین و ایران گرفته تا فیلیپین و مازری و اندونزی زیر فشار امپریالیسم آمریکا هستند و مستکبران و جباران را بر آنها تسلط کرده اند. نمونه فراموش نشدنی آن شاه خائن بود. آمریکا ۳۰ سال تمام با حمایت تام و تمام خود او را بصورت دیکتاتور درنده ای در آورده بود که در خدمتگزاران بهواشنگتن از همه نوکران دور و نزدیک سبقت گرفته بود. در دین بیست و چند سال که محمدرضا ملت مسلمان ایران را به زندان افکنده و شکجه میداد یاد رقم و مشهد دیگر شهرها به گلوله می بست، نه کاری برای مسلمانان ایران دلسوزی میکرد و نه وزاری خارجه کشورهای اسلامی «کنفرانس» برای رسیدگی به فاجعه تشکیل دادند. حتی در مطبوعات آنها اندک اشاره انتقاد آمیزی همه جنایات شاه مخلوع وحامی او آمریکا نشد.

سنگ مسلمانان افغانی را به سینه زدن، اتحاد ملتی از آمریکا و چین و پاکستان تشکیل دادن، دامن اخبار تحریک آمیز و ترسانک در باره ی غلبه شوروی در مرز مشترک افغانستان و ایران، تجریم صدور تهدیدیه برای افغانستان، تلاش برای تحریم بازی های المپیک مسکو بالاخره تشکیل کنفرانس اسلامی همه و همه را در بافت چنین واقعیتی باید جستجو کرد.

(قسمتی از بحث سیاسی حاسم الدین امامی - کیهان، ۴ بهمن)

صحت میگویم، پنجاه آمریکائی قربانیان بیگناه (۱) تروریسم و آزارش در تهران هستند و همین در این لحظه که با شما صحبت میکنم انقلاب افغانستان مورد تهاجم قرار گرفته است (۱)

کارتر گفت: «این تروریسم بین المللی مسلح جهانی را در معرض تهدید قرار داده است.»

کارتر مطابق معمول چنین هسای راهائی پخش را «آشوب و هرج و مرج» توصیف کرد و گفت: «آمریکا باید برای مقابله با هرج و مرج آماده باشد، به عبادت دیگر برای سرکوب مبارزه خلقها مداخله کند. کارتر در قسمت دیگری از

توجه!

بخشین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان و هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطره جالب و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هرگونه عکس از رویداد های ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف را، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستند بوسیله صفحات «مردم» را در پرگزاری شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مردم» به انقلاب ایران.

«مردم»

نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

حتماً بیاد دارید که اشغال لانه جاسوسی پدنهال ملاقات نخست وزیر با رئیس کمی مشاور امنیت ملی کارتر در الجزایر صورت گرفت و حتماً بخاطر دارید که نخست وزیر برای شرکت در جشن استقلال الجزایر به این کشور رفته بود. حال این سوال مطرح است که مقامات ایرانی با شرکت خود در کنفرانس آمریکائی پاکستان در انتظار ملاقات با کدام مقام آمریکائی هستند؟ آیا شرکت در این کنفرانس اهانتی به شهدای انقلاب اسلامی افغانستان بحساب نمی آید؟ آیا جمع شدن در زمره جاسوسی آمریکا، اهانتی به امت اسلامی نیست؟ چرا شورای انقلاب در مورد حلف بر نامه شرکت در این کنفرانس آمریکائی نظر ننموده اند؟

(جمهوری اسلامی، ۳ بهمن)

امریکا در خارج و داخل برای تضعیف انقلاب ایران و انحراف آن از مسیر اصلیش در تلاش است

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در پایتخت پاکستان در حال تشکیل میشود که جهان اسلام بخاطر دومین خیانت بزرگ سادات به دنیا، عرب و اسلام عزادار است.

آنچه که بیش از هر چیز گردانندگان چنین کنفرانس را در مظان اتهام قرار میدهد اینست که کشور اسلامی ایران که با انقلاب خویش رژیم ضد اسلام را سرنگون کرده و از سال گذشته بدینطرف زیر فشار روز افزون امپریالیسم آمریکا بوده، نه تنها چنین کنفرانس را برای تشکیل نشده، بلکه حتی در کنفرانسهای کوچکتری چون کنفرانس سران عرب در تونس و پاکستان اوپک در ابوظبی هم که دوام پیش تشکیل شده بود، اندک هماهنگی و حمایتی از انقلاب ایران در برابر فشار آمریکا نشان نداده اند.

روزنامه «الصبح» ارگان دولت الجزایر در شماره آخر دیماه خود یاد آور شده است که اجتماع وزیران خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد چه بسا که اثراتی منفی را بر مصالح عالی کشورهای مسلمان برجای گذارد.

چرا کشورهای اسلامی تا قبل از ماجرای افغانستان در برابر تهدیدات آشکار آمریکا علیه انقلاب ایران سکوت کرده بودند؟ این روزنامه پس از بررسی واقیبات اوضاع افغانستان اضافه میکند که «تعلیقات امپریالیسم علیه آنچه در کابل در جریان است بیچوجه ناشی از علاقه آن به حق آزادی و خودمختاری ملتها نیست، بلکه در مرحله اول زائیده تعلیقات انتخاباتی دولت آمریکاست. چگونه میتوان قبول کرد که واشنگتن که در گذشته بشوق و علمدار دخالت غرب در جزایر، آفریقای مرکزی بوده و نیز تجاوز به حقوق بشر در صحرای غربی علیه مسلمانان پولیساریو، فلسطین و کشورهای آمریکای لاتینی بوده، دلش بجا مسلمانان افغانستان سوخته باشد؟ «الصبح» مینویسد هدف پنهانی و غیر مستقیم امریکاسوه استفاده از ماجرای افغانستان برای ایجاد پایگاههای جدید نظامی در بعضی از کشورهای عرب و الحاق آنها به امپریالیسم جهانی و تحکیم اشغال فلسطین بوسیله اسرائیل است.»

سالیانست که مسلمانان عالم از صحرای غربی و سرکش فلسطین و ایران گرفته تا فیلیپین و مازری و اندونزی زیر فشار امپریالیسم آمریکا هستند و مستکبران و جباران را بر آنها تسلط کرده اند. نمونه فراموش نشدنی آن شاه خائن بود. آمریکا ۳۰ سال تمام با حمایت تام و تمام خود او را بصورت دیکتاتور درنده ای در آورده بود که در خدمتگزاران بهواشنگتن از همه نوکران دور و نزدیک سبقت گرفته بود. در دین بیست و چند سال که محمدرضا ملت مسلمان ایران را به زندان افکنده و شکجه میداد یاد رقم و مشهد دیگر شهرها به گلوله می بست، نه کاری برای مسلمانان ایران دلسوزی میکرد و نه وزاری خارجه کشورهای اسلامی «کنفرانس» برای رسیدگی به فاجعه تشکیل دادند. حتی در مطبوعات آنها اندک اشاره انتقاد آمیزی همه جنایات شاه مخلوع وحامی او آمریکا نشد.

سنگ مسلمانان افغانی را به سینه زدن، اتحاد ملتی از آمریکا و چین و پاکستان تشکیل دادن، دامن اخبار تحریک آمیز و ترسانک در باره ی غلبه شوروی در مرز مشترک افغانستان و ایران، تجریم صدور تهدیدیه برای افغانستان، تلاش برای تحریم بازی های المپیک مسکو بالاخره تشکیل کنفرانس اسلامی همه و همه را در بافت چنین واقعیتی باید جستجو کرد.

(قسمتی از بحث سیاسی حاسم الدین امامی - کیهان، ۴ بهمن)

در مطبوعات کشور

از مصاحبه سوهنگ کذالی:

امپریالیسم همیشه طرفدار جنبش های اسلامی ارتجاعی بوده است

این دو انقلاب (انقلاب ایران و انقلاب لیبی) جنبش دو جنبش تاریخی در جهان سوم است که خصوصیت ضد امپریالیستی دارد.

تمام جنبشهایی که تا کنون در جهان اسلام پدیدار گشته است، خصوصیات ارتجاعی و راستگرا داشته اند، زیرا این خصلت راستگرایان و مرتجعان است که همیشه در کنار امپریالیسم قرار گیرند. همین جهت، امپریالیسم همیشه طرفدار جنبش های اسلامی ارتجاعی بوده است. امپریالیسم از جنبش های ارتجاعی در جهان اسلام، نه تنها واهمی نداشته است، بلکه آنها را حمایت و تأیید کرده است.

من رجساع و ائسق دارم که انقلاب لیبی و ایران قادر است یک استراتژی واحد علیه صهیونیسم به جهان اسلام عرضه کند. در این استراتژی، نبرد علیه صهیونیسم،

ملت ایران با توجه به ظرفیتی که از نظر جمعیت دارد، میتواند نقش بسیار مهمی ایفا کند و ما به نوبه خود آماده هستیم که با این تلاش مشترک ایران و لیبی علیه صهیونیسم هرگونه کمکی از جمله مالی بکنیم.

بگذاردید سریع با شناسن بگویم، هنوز وضعی که باید تمام نهادها را در قلب انقلاب ایران درهم بکوبد و آنرا ریشه کن سازد، عملی نشده است. زمانی کلیه این نهادها در انقلاب ایران معوشده و از بین خواهند رفت که توده مردم به قدرت برسد و قدرت خلق را استوار سازند و این قدرت را در جهت منافع ملت بکار گیرند.

(اطلاعات، ۴ بهمن)

با تکیه به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

حتماً بیاد دارید که اشغال لانه جاسوسی پدنهال ملاقات نخست وزیر با رئیس کمی مشاور امنیت ملی کارتر در الجزایر صورت گرفت و حتماً بخاطر دارید که نخست وزیر برای شرکت در جشن استقلال الجزایر به این کشور رفته بود. حال این سوال مطرح است که مقامات ایرانی با شرکت خود در کنفرانس آمریکائی پاکستان در انتظار ملاقات با کدام مقام آمریکائی هستند؟ آیا شرکت در این کنفرانس اهانتی به شهدای انقلاب اسلامی افغانستان بحساب نمی آید؟ آیا جمع شدن در زمره جاسوسی آمریکا، اهانتی به امت اسلامی نیست؟ چرا شورای انقلاب در مورد حلف بر نامه شرکت در این کنفرانس آمریکائی نظر ننموده اند؟

(جمهوری اسلامی، ۳ بهمن)

ماریوپاتر دیرکل
فدراسیون دانشجویان
پاناما:

چرا دولت ایران هنوز اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاده؟

بدلیل بخش خبر دستگیری شاه در پاناما از طریق وزارت امور خارجه و اخبار ضد و نقیض دیگری در این مورد، مردم در تماس مستقیم با فدراسیون دانشجویان پاناما، چگونگی واقعه را جویا شدند.

ماریوپاتر، دیرکل فدراسیون دانشجویان پاناما، اعلام کرد که خبر دستگیری شاه را از خبرگزاری یونایتد پرس شینده است و خبر نگار یونایتد پرس نیز گفته است که خبر را از تهران دریافت کرده است! ماریوپاتر همچنین گفت که دولت پاناما رسماً خبر دستگیری شاه و برگرداندن او به ایران را تکذیب کرده است. او افزود که مردم پاناما هر روز علیه شاه واقفند او در پاناما اعتراض می کنند و از دولت پاناما میخواهند که بعد از رسیدن اسناد جنایات شاه از ایران، او را به مردم ایران تحویل بدهد. مردم پاناما متقاعدند که اقامت شاه جنایتکار در پاناما خلاف قوانین دولت پاناما است.

ماریوپاتر همچنین با اظهار تعجب از خبرنگار ما پرسید: چرا دولت ایران هنوز اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاد است؟ این پرسش ماریوپاتر، پرسش تمامی مردم ایران از وزارت امور خارجه است.

برای شهیدان حزب و جنبش

مردم، در نظر داد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و مغفور خاندان پهلوی در راه آزادیهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه همین دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس - «مردم»

فرمود
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذرشاده ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۴۵۹

چاپ: کاروان

MARDOM
No. 151
26 January 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

چگونه باید درباره یک حزب سیاسی، یا یک رجل سیاسی داوری کرد؟ اصولاً چگونه باید داوری کرد؟ در این باره، «مردم» در گذشته نیز سخن ضروری را گفته است. ولی

افسوس! نهر گفتاری در روزنامه های می تواند عادت سالیان را چاره کند. با اینحال باید بی خستگی یادآوری کرد، زیرا بگفته نشین، هیچ پدرانشانی انقلابی نیست که نمر ندهد. تبلیغات ضد توده ای رژیم تروریست و اذیتکاری پهلوی و فعالیت عظیم از راست و چپ علیه حزب ما، پیشداوریهای بسیار ایجاد کرده، که باید بتدریج برطرف شود. قضاوت با (داوری) تنها بر اساس یک شایعه، یا یک رخ داده، یا چند رخ داده، یا حادثه جداگانه یا چند حادثه جداگانه در مورد یک فرد، و بطریق اولی یک حزب، ابتدا کافی نیست. هم در مورد افراد و هم در مورد احزاب سیاسی ما باید عملکرد اجتماعی و تاریخی واقعی یک دوره معین زمانی مورد توجه قرار دهیم. تازه در این جایز بینیم عمده چیست؟ در این باره توضیح مشروح تری ضرور است.

پدیدن

خالس وجود ندارد. جهان را به نیک و بدست مطلق و بدو نادرست مطلق تقسیم نکرده اند. تمام دنیای داوری دست از همین جا برمیخیزد که در مورد پدیده ها بطور عمده میتوان قضاوت کرد. فرد یا جریان که بطور عمده مثبت است، میتواند دارای جهات بطور غیر عمده منفی نیز باشد. فردی یا جریانی که بطور عمده منفی است، میتواند دارای جهات بطور غیر عمده مثبت نیز باشد. منتهای سفسطه بازی دستخیز عوَض کردن جای عمده و غیر عمده است. سفسطه باز در پدیده ای که بطور عمده مثبت است، جهات منفی غیر عمده را میگرد، بزرگ میکند، منظره میسازد، نتیجه میگیرد. ظاهراً دروغ گفته است ولی طراری و چشم بندی کرده است. درباره تابلوی که یک سوم آن سپاه و دو سوم آن سفید است، فقط از همان یک سوم سپاه صحبت میکند و نتیجه میگیرد که تابلو سفید است. جایی که از سفیدی و سپاهی دم میزند، ظاهراً دروغ و غیر واقع نمیکرد، مدردک و سست دلیل هم در دست دارد، ولی حقیقت

از فراخوان سازمان آزادیبخش فلسطین برای اعتصاب همگانی به نشانه اعتراض علیه زد و بند های کار تر و سادات و بگین پشتیبانی میکنیم

پروچ موافقت نامه های کمپ دیوید، روز ۲۶ ژانویه برابر ۱۶ بهمن، مرزهای مصر و اسرائیل گشوده میشود و به این ترتیب رژیم اشغالی اسرائیل در گزافه باختری رود اردن و نوار غزه تثبیت میگردد. بدینال این اقدام دراه فوری روابط سیاسی میان مصر و اسرائیل برقرار خواهد شد. سازمان آزادیبخش فلسطین بدین مناسبت خلقهای کشور های عربی را در این روز به اعتصاب همگانی، به نشانه اعتراض علیه زد و بند های مصر و اسرائیل و امریکافر خواند.

موافقت نامه های کمپ دیوید توطئه ای بود که از جانب امریکالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی طرح گردید و بوسیله بگین و رژیم خود فروخته سادات بمورد اجرا درآمد. این موافقت نامه به اشغال و غصب سرزمینهای کشور های عربی و سرزمین خلق عرب فلسطین از جانب تجاوزگران اسرائیل قوتیبت میبخشد و عملاً این سرزمینها را بخاک اسرائیل ملحق میسازد.

زد و بند کمپ دیوید نقطه اوج خیانت انور سادات به منافع و حق حاکمیت ملی خلقهای کشورهای عربی و تجاوز اسرائیل و بویژه خلق عرب فلسطین بود، که از خاک خود رانده شده و از زمین و دولت مستقل ملی خود محروم مانده است. گشایش مرزهای مصر و اسرائیل، که دنباله این خیانت بزرگ رژیم انور سادات است، بحق خشم و نفرت همه خلقهای عرب و بویژه خلق عرب فلسطین و همه نیروهای ترقیخواه جهان را برانگیخته است.

نیروهای ترقیخواه خود مصر، که از همان آغاز خیانت سادات به منافع حیاتی خلق مصر و حق حاکمیت این کشور، از مقاومت در برابر این رژیم و افتاکری خیانتیهای آن باز نایستاده اند، در آستانه این روزننگین، که قلوب همه میهن پرستان مصر و همه خلقهای عرب را جریحه دار میسازد و بحق اهانته به احساسات ملی

موافقت نامه های کمپ دیوید و تسلیم سادات در برابر اسرائیل و امریکالیسم امریکا بزرگترین خیانتی است که نسبت به خلق عرب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین انجام گرفته است. امریکالیسم امریکا، اسرائیل و رژیم سادات باز و بند های کمپ دیوید ضمن ایجاد تفرقه در جبهه متحد

آیا میخواهیم در سیاست داوران منصفی باشیم؟ یا قصد بهانه جویی داریم؟

دشمن، مخالف و بیطرف، مساعد و نامساعد را در جامعه بشناسد. باید راه مشخصی شناخت، مانند روند شناخت یک فرد، بناچار از خطا، کژراهی، اشتباه محاسبه تمی نخواهد بود.

میکوید هر کسی کار میکند و مبارزه میکند بناچار اشتباه نیز میکند. اشتباه جزئی است از روند فعالیت انسانی. این مهم نیست. مهم آنست که اشتباه اصولی نکند. اشتباه را به کار یا به بدل ناند. روی آن لجاجت نوزد، بلکه به اشتباه خود صادقانه اعتراف کند. علل آنرا بشناسد. برای اصلاح آن دست به اقدامات عملی بزند، همانطور که حزب مسازیلنسوم چهارم (۱۳۳۷) تا امروز پیوسته با همین روش سدیقانه و جدی عمل کرده است.

اگر همه آنچه را که گفته ایم درباره تاریخ طولانی حزب طبقه کارگر در ایران پیاده کنیم، باید گفت که این حزب، پس خلاف کار و ههایی که با عنوان «چپ» پدید شدند و درک مارکسیستی-لنینیستی نادرستی داشتند، از جهت اجراء و وظایف اساسی ملی و بین المللی خود کاملاً در شرایط مستقیم رسیده است. از جهت مشی اساسی خود دچار انحراف ملی گرای و فرستمد ملی «چپ» و راست در مشی طولانی خود نشده است. در تاریخ این حزب خدمات بسزاست و عظیم آن عمده و شاخصی است. این خدمات عبارت است از:

نبرد برای مشکل کردن وسیع توده های زحمتکش، تلاش برای ربط و اشاعه پیش انقلابی، مبارزه بیکر علیه استبداد پهلوی، مبارزه بیکس علیه امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دیگر قدرتهای امپریالیستی، حفظ همبستگی با جنبش انقلابی و راهی بخش جهانی، دفاع از منافع حیاتی کارگران، دهقانان و قشرهای متوسط، مراعات اصول سازمانی حزب طبقه کارگر، پرورش وسیع توده ها و

افراد حزبی با روح مسئولیت اجتماعی، خدمت به فرهنگ و هنر و زبان کشور، دفاع بیکر از حقوق خلقهای ایران، دفاع بیکر از آزادی ابراری حقوق زن و مرد، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و غیره.

کنار این عامل شخصی و عصبه اخساعات بزرگ (اجتماعی) مسلماً حزب دچار اشتباهات، شکستها، ناکامیها (که گاه بسیار جدی بوده) نیز شده است. این نکات در تاریخ و بر افشاگری این حزب، که صحیفه روشن و بی افتخاری در کارنامه نبرد خلقهای کشور است، نکات غیر عمده است. علت آنرا نمیتوان تنها در گناه این یا آن فرد و مشخصات منفی این یا آن ارگان خلاصه کرد. مسلماً گناه و مشخصات منفی و اشتباهات عامل ذهنی، دربر و اشتباهات نقش داشته است. ولی علت ناکامیهای حزب در گذشته باز بطور عمده عامل عینی است، یعنی تناسب نامساعد نیروها در هر سه جهان و ایران برای انقلاب. به همین جهت طی سالیان «چک سرده»، که امریکالیسم (و براس آن امریکالیسم آمریکا) در سیاست جهانی مطهره داشت. یعنی به بیان دیگر عامل ضد انقلاب با در دست داشتن انحصار اتمی و منابع عظیم ثروت و تکنولوژی بیشتر فته می توانست اراده خود را تحمیل کند، نه تنها حزب ما، بلکه تمام نهضت های انقلابی (مثلاً رمالزی اسپانیا، اندونزی، عراق، یونان، کنگو و غیره) دچار ناکامیهای تلخ شدند و ضربات وحشیانه فاشیم جهانی، انقلابیون بسیاری از کشورهای راداداد دشوارترین روزگارها ساخت. ماقط قسه کار خود را میدادیم و به سایر نقاط دنیا توجه کافی نداشتیم.



در انتخابات نخستین رئیس جمهوری ایران که دیروز در میان استقبال وسیع مردم انجام شد، زنان شرکت فعال داشتند

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبسوم انقلابی است.

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!

وزیر دفاع رژیم سادات، ژنرال کمال حسینی، طی مصاحبه ای با روزنامه «الاهرام» خاطر نشان ساخت که مصر در صدد صلح با اسرائیل، با خاطر تهدید های دیگر، ارتش خود را تقویت خواهد کرد. این اظهارات وزیر دفاع رژیم سادات تأییدی است بر قبول نقش ژاندارمی امریکالیسم امریکا در منطقه.

موافقت نامه های کمپ دیوید و تسلیم سادات در برابر اسرائیل و امریکالیسم امریکا بزرگترین خیانتی است که نسبت به خلق عرب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین انجام گرفته است. امریکالیسم امریکا، اسرائیل و رژیم سادات باز و بند های کمپ دیوید ضمن ایجاد تفرقه در جبهه متحد